نگاهی به زندگی و احوال و آثار اقبال لاهوری :

علامه محمد اقبال لاهوری (9 نوامبر1877) شاعر، فیلسوف، سیاست‌مدار و متفکر مسلمان پاکستانی بود، که اشعار زیادی به زبانهای فارسی و اردو سروده‌است. اقبال نخستین کسی بود که ایدهٔ یک کشور مستقل را برای مسلمانان شبه قاره مطرح کرد که در نهایت منجر به ایجاد کشور پاکستان شد. اقبال در پاکستان به رسما "شاعر ملی" خوانده می‌شود.

زندگی:

اقبال در سیالکوت، که امروزه در ایالت پنجاب پاکستان واقع شده‌است،به دنیا آمد. نیاکان او از قبیله سپروی برهمنان کشمیر بودند و در سده هفدهم میلادی، حدود دویست سال پیش از تولد او، اسلام آورده بودند. پدر او مسلمانی دیندار بود. او تحصیلات ابتدایی خود را در مدارس شهر سیالکوت و سپس در کالج اسکاچ‌مشن (Scotch Mission College)فراگرفت. تحصیلات عالیه ی او در رشته فلسفه در دانشگاه جی سی ، لاهور آغاز شد و مدرک کارشناسی ارشد فلسفه را در سال 1899م با رتبه اول از دانشگاه پنجاب دریافت کرد. وی سپس وارد دانشگاه کمبریج شد و مدرک دکترای خود را در رشتهٔ فلسفه از دانشگاه مونیخ گرفت.

فعالیت های سیاسی :

اقبال در دوران جنگ جهانی اول در جنبش خلیفه که جنبشی اسلامی بر ضد استعمار بریتانیا بود، عضویت داشت. وی با مولانا محمد علی و محمد علی جناح همکاری نزدیک داشت. وی در سال ۱۹۲۰ در مجلس ملی هندوستان حضور داشت اما از آنجا که گمان می‌کرد در این مجلس اکثریت با هندوها است پس از انتخابات ۱۹۲۶ وارد شورای قانونگذاری پنجاب شد که شورایی اسلامی‌بود و در لاهور قرار داشت. در این شورا وی از پیش‌نویس قانون اساسی که محمد علی جناح برای احقاق حقوق مسلمانان نوشته بود حمایت کرد. اقبال در 1930 به عنوان رئیس اتحادیه مسلمانان در الله آباد و سپس در 1932 در لاهور انتخاب شد.سخنرانی او راجع به تاسیس پاکستان در سال 1930 بسیار معروف گردید.وی همواره کوشیده‌است که مردم را آگاه کرده و از بند استعمار برهاند .

آثار اقبال :

ز کل ۱۲ هزار بیت شعری که توسط اقبال سروده شده‌است ۷۰۰۰ بیت آن فارسی است. شریعتی در جائی وی را ایرانی‌ترین خارجی خطاب کرده است .ناله یتیم نخستین اثر اقبال بود و وی آن را در سال ۱۸۹۹ در جلسه سالیانه انجمن حمایت‌الاسلام در لاهور خواند. آثار اقبال به طور کلی عبارت‌اند از:

اسرار خودی (منظوم، فارسی)

رموز بیخودی (منظوم، فارسی)

پیام مشرق (منظوم، فارسی)

بانگ درا

زبور عجم (منظوم، فارسی)

جاویدنامه (منظوم، فارسی)

پس چه باید کرد ای اقوام شرق (منظوم، فارسی)

احیای فکر دینی در اسلام (انگلیسی)توسعهٔ (سیر) حکمت در ایران (انگلیسی)

مثنوی مسافربال جبرئیل ضرب کلیم ارمغان حجاز

اقبال و مولانا جلال الدین رومی:

دل‌بستگی و وابستگی اقبال به مولانا را می‌شود از جنس همان عشق پرسوز و گدازی دانست که خود مولانا را به شمس تبریزی مجذوب کرده‌است:

به کام خود دگر آن کهنه می‌ریز
که با جامش نیرزد ملک پرویزز
اشعار جلال‌الدّین رومی
به دیوار حریم دل بیاویز
سراپا درد وسوزآشنائی
وصال او زبان‌دان جدائی
جمال عشق گیرد از نی او
نصیبی از جلال کبریائی

به‌روی من در دل باز کردن
ز خاک من جهانی سازکردند
ز فیض او گرفتم اعتباری
که با من ماه و انجم سازکردند
خودی تا گشت مهجور خدائئ
به فقر آموخت آداب گدائی
ز چشم مست رومی وام کردم
سروری از مقام کبریائی

اقبال و ایران :

قبال یکی از نامورترین و سرشناس‌ترین شاعرپارسی‌گوی غیرایرانی در ایران است که پذیرش ویژه‌ای در ایران یافته‌است..وی دکترای مربوط به سیر حکمت در ایران بوده‌است واو آرزو داشت تهران روزی جایگاه ژنو در اروپا را پیدا کند.

چون چراغ لاله سوزم در خیابان شما
ای جوانان عجم جان من و جان شما
غوطه ها زد در ضمیر زندگی اندیشه ام
تا بدست آورده ام افکار پنهان شما
مهر و مه دیدم نگاهم برتر از پروین گذشت
تریختم طرح حرم در کافرستان شما
تا سنانش تیز تر گردد فرو پیچیدمش
شعله ئی آشفته بود اندر بیابان شما

”

چون چراغ لاله سوزم در خیابان شما

ای جوانان عجم جان من و جان شما

O young Iranians, consider my existence as your existence, because like a bright light, I am burned in your garden.

Iqbal Lahori | اقبال لاهوری

فکر رنگینم کند نذر تهی دستان شرق
پارهٔ لعلی که دارم از بدخشان شما
میرسد مردی که زنجیر غلامان بشکند
دیده ام از روزن دیوار زندان شما
حلقه گرد من زنید ای پیکران آب و گل
آتشی در سینه دارم از نیاکان شما